

سعودی زیر فشار عملیات‌های چندگانه و گسترده نیروهای مقاومت یمن

دست پر صنعا مقابل ریاض

صفحه ۳

پنجشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۵ | ۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | ۲۲ آگوست ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۸۹ | صفحه ۱۰ هزار تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



قالیباڤ در دیدار مقامات عراق

از نشانه‌های خروج تدریجی آمریکا از منطقه گفت

نظم جدید منطقه پس از جنگ رمضان

صفحه ۲

شهادت جانگداز ابن‌الرضا حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام را تسلیت می‌گوییم



گزارش «وطن امروز» از روند بازگشت صنایع آسیب‌دیده در جنگ تحمیلی ۴۰ روزه

صفحه ۴

صفحه ۴

تینترهای امروز



گزارش «وطن امروز» از افول نظم آمریکایی در غرب آسیا پس از شکست واشنگتن در برابر تهران

خاورمیانه بدون آمریکا

- فارن افرز: نظم خاورمیانه‌ای تحت رهبری آمریکا اکنون به فروپاشی نزدیک شده است
- شورای روابط خارجی آمریکا: نظم خاورمیانه تحت رهبری آمریکا به پایان رسیده است

گزارش «وطن امروز» از ردیابی فساد عمیق دولتی در نزدیکی رئیس‌جمهور اوکراین

حلقه فساد ژلنسکی

صفحه ۲

روایت دیدار با خانواده پاسدار شهید «سمانه گودرزی»

یک قاب و ۲ سمانه

صفحه ۲

چگونه جنگ علیه ایران ضعف‌های پنهان نظم آمریکایی را آشکار کرد؟

دنیای پساآمریکایی

نگاه مهدی حسینی

بحث از دنیای در حال گذار و نظم پساآمریکایی، دیگر تنها ایده‌ای در حد تئوری‌های روابط بین‌الملل یا نگاه بدبینانه به آمریکا نیست و حتی از عرصه مطالعات آکادمیک راه به دنیای رسانه و گزارش‌های مطبوعاتی یافته است. در یک گزارش مفصل، دوماهنامه «فران افرز» به مسأله دنیای پساآمریکایی پرداخته است. به توصیف مجله آمریکایی، جهان دیگر وضعیتی دارد که از آن با نام «دم گندیده» یاد می‌کند: «نظم بین‌الملل پس از دهه‌ها توسعه، در حال رها شدن است. این نظم که هرگز از سوی چین و روسیه کاملاً پذیرفته نشد و با نارضایتی قدرت‌های میانی تازه‌نفس مواجهه بود، اکنون حامیان مالی خود، یعنی مردم آمریکا را نیز از دست داده است، چرا که آنها دیگر علاقهای به تأمین هزینه‌های توسعه بیشتر آن ندارند و درست مانند پروژه‌های شکست‌خورده مسکن در چین، هیچ جایگزین دیگری نیز برای به دست گرفتن زمام امور یا پیش نمی‌گذارند. یک دنیای «دم گندیده» در حال ظهور است؛ دنیایی که در آن دولت‌ها باید با زیرکی خود را سازگار کنند، کاربردهای جدیدی برای عناصر ارزشمند باقیمانده از نظم قدیم ابداع کنند و به سرعت با زوال چشمگیر سایر اجزای آن کنار بیایند. البته بسیاری از رهبران همچنان به گونه‌ای رفتار می‌کنند گویی نظم قدیم به طریقی قابل نجات دادن یا حتی بی‌نقص تر شدن است.

به باور فران افرز، متحدان اروپایی آمریکا هنوز نتوانسته‌اند این واقعیت جدید را درک کنند که جهان تغییر کرده و آمریکا دیگر آن آمریکای دهه ۱۹۸۰ نیست و با ساده‌دلی می‌خواهند با باج به آمریکا آن را راضی نگه دارند: «متحدان ایالات متحده هنوز درک نکردند واشنگتن حمایت خود را از نظم قدیم و از آنها پس گرفته است. مارک روت، دبیر کل ناتو، اروپایی‌هایی را که پیشنهاد می‌کنند دفاع از خود بدون کمک آمریکا را به بیاموزند، به سخره گرفته و به آنها می‌گوید «به رویاپردازی ادامه دهید». نشست جولای ۲۰۲۶ ناتو یکی از سرورن‌ترین نمونه‌های ناهماهنگی شناختی را به نمایش گذاشت: رهبران اروپا در تلاشی دیوانه‌وار متعهد به پرداخت باج به دونالد ترامپ در قالب افزایش ادخواه هزینه‌های دفاعی شدند، به این امید که او از این ائتلاف خارج نشود. بریتانیا با خرید جنگنده‌های آمریکایی به تعمیق وابستگی امنیتی خود به ایالات متحده ادامه می‌دهد و دانمارک خرید تسلیحاتی کلان از واشنگتن را تصویب می‌کند، حتی در شرایطی که ترامپ تهدید می‌کند گرینلند، قلمرو تشکیل‌دهنده این کشور را به زور ضمیمه خاک خود خواهد کرد».

ادامه در صفحه ۴

بازسازی ظرفیت‌های نظامی این کشور دنبال کرده است. اکنون نگرانی تل‌آویو تنها ایران نیست، ترکیه نیز به متغیر امنیتی مهمی تبدیل شده است.

■ از ایران تا ترکیه: منطق یک کمربند امنیتی در رفتار رژیم بدون توجه به مفهوم «محیط امنیتی» ناقص خواهد بود. تل‌آویو در دهه‌های گذشته کوشیده تهدیدات بالقوه را پیش از آنکه به مرزهایش برسند، در عمق جغرافیایی خود مهار کند. سوریه، لبنان، عراق و ایران در این نگاه به صورت زنجیرهای به یکدیگر متصل می‌شوند اما تحولات اخیر نشان می‌دهد این محاسبه در حال گسترش است و ترکیه نیز به‌تدریج در معرض آن قرار گرفته است. این بدان معنا نیست که رژیم صهیونی الزاما قصد دارد با همه کشورهای منطقه وارد جنگ مستقیم شود. سیاست مؤثرتر برای تل‌آویو، جلوگیری از شکل‌گیری هم‌افزایی میان قدرت‌های منطقه است. اگر ایران در شرق، ترکیه در شمال، سوریه در شمال شرق و کشورهای عرب در جنوب بتوانند هر کدام بخشی از ظرفیت نظامی و سیاسی خود را مستقل از رژیم توسعه دهند، محیط راهبردی سرزمین اشغالی پیچیده‌تر خواهد شد.

بنابراین می‌توان از یک دکترین کمتر مورد توجه سخن گفت: «مهار چندلایه جهان اسلام از طریق جلوگیری از همگرایی قدرت‌های منطقه‌ای». در این دکترین، هدف لزوما اشغال سرزمین‌های همه کشورها نیست، بلکه جلوگیری از ظهور دولت‌ها و ائتلاف‌هایی است که بتوانند قدرت نظامی، اقتصادی و ژئوپلیتیک خود را به یکدیگر متصل کنند. از این منظر، سوریه اهمیت ویژه‌ای دارد. سوریه نقطه اتصال جغرافیایی ایران، عراق، لبنان، مدیترانه و ترکیه است. هر قدرتی بتواند در سوریه نفوذ پایدار ایجاد کند، در واقع بخشی از معماری امنیتی شرق مدیترانه و غرب آسیا را در اختیار خواهد داشت. به همین دلیل است که رقابت بر سر سوریه دیگر صرفاً رقابت بر سر آینده یک کشور نیست، رقابت بر سر معماری امنیتی منطقه است.

■ چرا ترکیه مهم شده؟ ترکیه برای اسرائیل با ایران تفاوت دارد. ترکیه عضو ناتو است، در سوریه عمق عملیاتی دارد و می‌تواند در بازسازی ساختارهای نظامی و امنیتی دمشق نقش ایفا کند. ترکیه می‌تواند از منظر تل‌آویو تهدیدآمیز باشد. این منطق یک پیام روشن دارد: سوریه نباید به یک دولت قدرتمند، دارای ارتش بازسازی‌شده و برخوردار از پشتیبانی یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شود. در اینجا باید به یک تحول مهم توجه کرد. رژیم اشغالگر پس از سقوط بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴، حملات خود به زیرساخت‌های نظامی سوریه را با هدف جلوگیری از

شده است. تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا در غرب آسیا پس از این حمله بر ضرورت ایجاد سازوکار رفع سوءتفاهم میان ترکیه، اسرائیل و سوریه تأکید کرد و هشدار داد نبود کانال ارتباطی می‌تواند حادثه‌ای محدود را به رویارویی بزرگ‌تری تبدیل کند. این واقعیت خود گویای یک مسأله مهم‌تر است: رژیم صهیونی ممکن است تصور کند با یک حمله هوایی می‌تواند موازنه را مدیریت کند اما هر چه دامنه عملیات‌های آن گسترده‌تر شود، احتمال درگیر شدن بازیگران بزرگ‌تر نیز افزایش می‌یابد.

■ مسأله فقط آمریکاست، پای ناتو و اروپا هم می‌تواند باز شود اگر تنش رژیم و ترکیه از سطح سوریه فراتر رود، معادله دیگر صرفاً خاورمیانه‌ای نخواهد بود. ترکیه عضو ناتو است و هرگونه رویارویی نظامی جدی میان آنکارا و تل‌آویو می‌تواند کشورهای اروپایی عضو پیمان آتلانتیک شمالی را به چالش بکشد. احتمال درگیر شدن بازیگران بزرگ‌تر یک عضو ناتو حمایت کرد، بدون آنکه وارد جنگ مستقیم با اسرائیل شد؟

البته نباید از ماده ۵ ناتو تفسیری مکانیکی ارائه کرد؛ حمله به نیروهای ترکیه در خاک سوریه الزاما به معنای فعال شدن خودکار ماده ۵ نیست اما از منظر سیاسی و راهبردی، درگیری مستقیم ترکیه با رژیم می‌تواند فشار بی‌سابقه‌ای بر انسجام ناتو وارد کند؛ به‌خصوص آنکه ناتو همین حالا نیز در حوزه پدافند هوایی ترکیه نقش دارد. مارس ۲۰۲۶ یک تهدید موشکی واردشده به حریم هوایی ترکیه با استفاده از سامانه‌های دفاع هوایی و موشکی ناتو در شرق مدیترانه ختنی شد. این تجربه نشان می‌دهد امنیت ترکیه در محیط منطقه‌ای، عملاً با زیرساخت‌های دفاعی ناتو پیوند خورده است.

از سوی دیگر، اروپا نمی‌تواند نسبت به تبدیل شدن بحران دائمی بی‌تفاوت بماند. بحران مهاجرت، انرژی، امنیت دریایی و تروریسم، هرگونه جنگ گسترده در این منطقه را مستقیماً به اروپا منتقل خواهد کرد. بنابراین ممکن است رژیم با هدف مهار تهدیدات پیرامونی خود دست به عملیات‌هایی بزند که در نهایت، دقیقاً نتیجه معکوس ایجاد کنند: بین‌المللی شدن بحران.

■ رژیم به دنبال کشاندن جنگ به بیرون از مرزهای خود است؟ اینجا باید میان «قصد» و «پیامد» تفاوت گذاشت. نمی‌توان با قطعیت گفت رژیم اشغالگر عمدا قصد دارد ناتو یا اروپا را وارد جنگ کند اما می‌توان گفت استمرار این الگو، ظرفیت بسیار بالایی برای بین‌المللی کردن منازعه دارد. تل‌آویو در سال‌های اخیر نشان داده برای انتقال میدان تهدید به بیرون از مرزهای خود، وابستگی چندانی به جغرافیای

کلاسیک جنگ ندارد؛ هر گاه تهدیدی را در حال نزدیک شدن به محیط امنیتی خود تشخیص دهد، می‌کوشد در نقطه‌ای بسیار دورتر با آن برخورد کند. نتیجه این رویکرد، گسترش تدریجی «محیط جنگ» است. سوریه امروز به همین دلیل اهمیت دارد. اگر روزی درگیری رژیم صهیونی و ترکیه در شمال سوریه به برخورد مستقیم منجر شود، اگر نیروهای آمریکایی در منطقه ناچار به واکنش شوند و اگر کشورهای اروپا به دلیل عضویت ترکیه در ناتو وارد سازوکارهای حمایتی شوند، جنگی که ظاهراً از یک حمله محدود هوایی آغاز شده، می‌تواند به بحران چندبازپگری تبدیل شود. این همان نقطه‌ای است که سیاست امنیتی اسرائیل با یک تناقض بنیادین روبه‌رو می‌شود: برای جلوگیری از شکل‌گیری یک ائتلاف بزرگ علیه خود، به اقداماتی دست می‌زند که ممکن است دقیقاً انگیزه تشکیل چنین ائتلافی را ایجاد کند که البته این موضوع با توجه به حمایت کشورهای اروپایی ناتو، صرفاً روی کاغذ اهمیت دارد.

■ آینده: جنگ بزرگ یا مهار بزرگ؟ آنچه امروز در ادب رخ داده، هنوز به معنای آغاز جنگ رژیم و ترکیه نیست. آنکارا حمله را شدیداً محکوم کرده و تل‌آویو نیز استدلال خود را بر جلوگیری از تغییر وضعیت امنیتی سوریه بنا کرده است. آمریکا نیز تلاش می‌کند میان ۳ طرف سازوکار جلوگیری از برخورد مستقیم ایجاد کند.

اهمیت ماجرا در همین مرحله نهفته است. برای نخستین‌بار، رقابت رژیم و ترکیه در سوریه به نقطه‌ای رسیده که یک عملیات صهیونی می‌تواند مستقیماً بر پروژه نظامی و امنیتی آنکارا اثر بگذارد. از این پس، هر پایگاه، رادار، فرودگاه یا مرکز آموزشی در سوریه می‌تواند به محل برخورد ۲ محاسبه امنیتی متفاوت تبدیل شود. رژیم صهیونیستی می‌خواهد محیط پیرامونی خود را از قدرت‌های بالقوه تهدیدکننده تهی نگه دارد و ترکیه می‌خواهد در سوریه دولتی ثبات، متحد و برخوردار از ظرفیت دفاعی ایجاد کند. این ۲ پروژه در سوریه به طور فزاینده‌ای در حال برخورد هستند. از این منظر، حمله به ابوظهور را باید فراتر از یک بمباران دید. این حمله نشانه ورود غرب آسیا به مرحله‌ای است که در آن مرز میان «دفاع از خود»، «مهار رقیب» و «گسترش میدان جنگ» روزبه‌روز باریک‌تر می‌شود. رژیم اشغالگر با نیت جلوگیری از قدرت گرفتن کشورهای اسلامی با هدف قرار دادن یکی پس از دیگری عمق استراتژیک آنها مشخصاً در نهایت با پدیده‌ای روبه‌رو خواهد شد که از آن گریزان است: شکل‌گیری بحران امنیتی چندجانبه.

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

